

استعمال و خرید و فروش مواد روانگردان در فقه امامیه

سیامک جعفرزاده*، حسن کریمی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴)

چکیده

استعمال مواد مخدر و روانگردان یکی از مظاهر انحطاط اخلاقی بشر است و باعث فساد جسم و عقل و ورود زیانهای شدید فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی به جامعه می‌شود. در این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی و با مطالعه منابع فقهی و روایی و ادله قرآنی حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر را به خاطر درگیر شدن بسیاری از مردم در ایران به خصوص جوانان و تبعات ناگوار و در برخی موارد غیر قابل جبرانی را که به دنبال دارد را مورد بررسی قرار داده است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که قول اکثر فقها در مورد حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر با توجه به آیات قرآنی و روایات و قواعد فقهی مانند: قاعده حرمت مقدمه حرام، قاعده لا ضرر، قاعده نفی سبیل، حرمت می باشد و بعضی دیگر از فقها هر چند حکم به حرمت این موضوع داده‌اند ولی در موارد ضروری از جمله مسائل پزشکی آن را جایز می‌دانند.

کلیدواژگان

امامیه، خرید و فروش، فقه، قواعد فقهی، مواد مخدر.

* نویسنده مسئول: استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

رایانامه: jafarzadeh_siamak@yahoo.com

** مدرس، دانشگاه پیام نور ارومیه، ارومیه، ایران

مقدمه

یکی از بلاهای خانمان‌سوز که آفتی بر پیکر جوامع بشری است، مسئله‌ی مواد مخدر و اعتیاد و روانگردانها است که قدرت تفکر و خلاقیت، توان، کوشش و سازندگی را از انسانها گرفته و بنیان خانواده و اعتقاد و باورهای دینی آنها را در معرض نابودی و از هم‌پاشیدگی قرار داده است و متأسفانه روز به روز، رو به گسترش است. صاحب‌نظران و آگاهان متعهد تردیدی ندارند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر و همه‌جانبه از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاشهای اقتصادی و فرهنگی است. جوامعی که بیشتر افراد آن از مردم مسلمان و معتقدان به احکام‌نورانی‌اسلام تشکیل یافته است، بر عهده‌ی دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و اندیشمندان این جوامع است که با تبیین معارف، اخلاقیات و احکام دین، جامعه به ویژه جوانان را از ورطه‌ی مفسادی مانند مواد مخدر بازدارند و وظیفه و تکالیف شرعی هر فرد را در این باره مشخص کنند تا بتوانند جامعه را به سوی مدینه‌ی فاضله‌ای که ضامن سلامت دنیا و آخرت است سوق دهند. بنابراین یکی از گامهای بلند در امر مبارزه با مواد مخدر، تحقیق در زمینه‌ی حکم فقهی و روشن شدن تکلیف شرعی درمورد حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر است که کار فقهی گسترده‌ای را می‌طلبد. به ویژه امروزه که این مواد جوامع انسانی را به شدت آلوده کرده و حیات شایسته‌ی انسانی را از جنبه‌های مختلف مورد تهدید جدی قرار داده است. در این تحقیق تلاش شده به آرای فقهای شیعه و مستندات آنها پیرامون استعمال و خرید و فروش مواد مخدر پرداخته و گامی هر چند کوتاه در راه تبیین مستندات فقهی حرمت استعمال و خرید و فروش مواد مخدر و روانگردانها برداشته شود. قبل از ورود به بحث برای روشن شدن مسأله برخی مفاهیم مانند مواد روانگردان و مخدر و اعتیاد را مورد بررسی قرار قرار داده سپس به موضوع اصلی پرداخته می‌شود.

ماده روانگردان و انواع آن

مواد روانگردان موادی هستند که بر سیستم عصب مرکزی تاثیر می‌گذارند و رفتار، اخلاق، و افکار فرد را تغییر می‌دهند. به یک معنی، مواد روانگردان معمولاً برای به تعادل رساندن بدن جهت فرار

از مشقات زندگی مصرف می‌شوند که اغلب به ایجاد علاقه و اشتیاق به مصرف بیشتر و بروز علائم ترک در فرد می‌شوند.

مواد روانگردان را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

۱. محرک‌ها (Stimulants)

این‌ها موادی هستند که فعالیت مغز را افزایش می‌دهند تا حالت تحریک بدن را افزایش دهد. افزایش انرژی، هوشیاری ذهنی و فعالیت جسمانی، کاهش خستگی، سرکوب گرسنگی، افزایش ضربان قلب و فشار خون از علائم مصرف این مواد است. مثال‌ها: نیکوتین، آمفتامین، کوکائین، کافئین، اکستازی، و متیل فنیدات.

۲. سرکوبگرها (Depressants)

این دسته از مواد فعالیت سیستم عصب مرکزی را مختل می‌کند تا هوشیاری بدن را پایین بیاورد. این مواد می‌توانند احساس تنبلی و رفتارهای لتارژیک ایجاد کنند. کاهش انرژی، هوشیاری ذهنی، ضربان قلب، فعالیت جسمانی و سرعت تنفس، کاهش سرعت عکس العمل، خواب آور و القاء حالت رویا از علائم مصرف این مواد است. مثال‌ها: الکل، هروئین، فلونیترازپام، متاکوالون، باربیتورات، بنزودیازپین، GHB، دردزدا.

۳. توهم‌زا (Hallucinogens)

این‌ها دسته‌ای دیگر از مواد روانگردان هستند که احساسات و ادراک را تغییر می‌دهند و می‌توانند به ایجاد توهماتمانند شنیدن یا دیدن چیزهای خیالی منجر شوند. تغییر و اختلال در خلق و خو، ادراک و حواس بینایی، شنوایی و احساسات، القاء حالت رویا از علائم مصرف این مواد است. مثال‌ها: سیلوسایبین (قارچ‌های جادویی)، ال اس دی، کتامین، مسکالین، فن‌سیکلیدین (گرد فرشته).

۴. سایر مخدرها (narcotics)

بعضی از مواد روانگردان دیگر یافت می‌شوند که ترکیبی از دو یا چند دسته‌ی فوق هستند. به

عنوان مثالی از این دست می‌توان شاهدانه را نام برد که ترکیبی از خواص محرک، سروکوبگری، و توهم‌زایی را دارد(بر گرفته از سایت <https://www.intervenow.com>).

مخدر و انواع آن

معنی لغوی: در لغت به معنی بی‌هوشانه، داروی بیهوشی، بیهوش کننده، کم کننده حس (بستانی، ۱۳۷۳، ۷۹۴). معنی اصطلاحی آن این است: مخدر چیزی است که عقل انسان را زایل می‌کند و به داروهایی که سبب بی‌حسی و رخوت و سستی می‌شود اطلاق می‌گردد.

در قاموس فارسیه، مخدر به معنی، آنچه که اعصاب را تخدیر می‌کند، آمده است (عبدالنعیم، ۱۴۰۲، ۶۳۳). در فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی این چنین بیان شده است: مخدر از، خَدَر به معنی هر چیزی که سستی و ضعف قابل ملاحظه‌ای در بدن به جای می‌گذارد(حسینی، ۱۳۸۹، ۴۵۶). (ابن ادریس آن را چنین معرفی کرده: «هي ما غيب العقل و الهواسِ دونَ أن يُصحب ذلكَ نشوةٌ أو سوؤ: (ابن ادریس، (۱۳۷۸)، ۲۱۵) یعنی مخدر آن چیزی است که عقل و هوش را مختل می‌کند بی آنکه نشئه و شادی در بر داشته باشد.»

ابن حجر حیثی آورده، مخدر عبارت از: «تَغْطِيَةُ الْعَقْلِ»؛ پوشاندن عقل و آن طرب شدید ندارد؛ زیرا آن ویژگی‌های مسکر مایع است(ابن حجر حیثی، (بی‌تا)، ۲۱۲). و در موسوعة الفقهیه آمده است: «التخدیرُ تَحْطِيَةُ الْعَقْلِ مِنْ غَيْرِ شِدَّةٍ مُطْرِبَةٍ: تخدیر پوشاندن عقل است، بی آنکه طربی شدید در بر داشته باشد(انصاری شوشتری، (۱۴۲۲)، ۱۰۰).»

انواع مواد مخدر

در ادامه بحث به انواع مواد مخدر که بر مغز و شخصیت اثر می‌گذارند و می‌توانند بر مصرف کننده به طرق مختلفی تاثیر بگذارند اشاره می‌شود:

۱. کوکائین
۲. هروئین
۳. مت آمفتامین

۴. هالوسینوزن

۵. آمفتامین

سه مورد اصلی و رایج تر این مواد مخدر ذکر شده عبارتند از:

۱. کوکائین

کوکائین نوع محرکی از مواد روانگردان است که با تقویت فعالیت مغز برای کاهش خستگی و افزایش سطح هوشیاری، بر سیستم عصب مرکزی تاثیر می‌گذارد. این ماده از برگ‌های گیاه کوکا درست می‌شود که معمولاً در منطقه‌ی آمریکای جنوبی می‌روید. گیاه کوکا در حالت طبیعی بی‌ضرر و مفید است، اما وقتی به کوکائین پالایش و تبدیل می‌شود، می‌تواند به واکنش‌های جدی و شدیدی منجر شود که می‌توانند فاجعه‌آمیز باشند. کوکائین به عنوان عامل فشار خون بالا و همچنین تپش قلب شدید که گاهی می‌تواند مرگبار باشند شناخته می‌شود. این ماده عموماً به شکل پودر صاف و نرم است و معمولاً از طریق بینی استنشاق یا اسنیف می‌شود. کوکائین بسیار محرک است و می‌تواند به پر حرفی، نشاط، و انرژی زیاد منجر شود.

۲. هروئین

هروئین نوع سرکوبگری از مواد روانگردان است که با مختل کردن فعالیت‌های انتقال دهنده‌های عصبی خاص یا مواد شیمیایی مغز بر سیستم عصب مرکزی بدن مانند قلب و سرعت تنفس تاثیر می‌گذارد. این یک ماده‌ی مرگبار و بسیار اعتیاد آور است که از صمغ گیاه خشخاش تهیه می‌شود. این فرایند شامل پالودن تریاک گرفته شده از گیاه خشخاش به مورفین و بعد پالایش به هروئین می‌شود. این ماده معمولاً به یک پودر قهوه‌ای یا سفید رنگ و همچنین ماده‌ای تر مانند و چسبناک تبدیل می‌شود که می‌تواند به طرق مختلفی من جمله اسنیف کردن، تزریق، یا به صورت دود مصرف شود.

۳. کراک

کراک یکی از مشتقات کوکائین است. کراک در واقع نام چیزی است که بعد از پالایش کوکائین و افزودن آمونیاک یا جوش شیرین برای تقویت آن و شکل‌گیری بلورهای سنگی به وجود می‌آید.

علت نام‌گذاری کراک صدایی است که هنگام گرم کردن بلورها در اثر تبخیر آب ایجاد می‌شود. تفاوت کراک با کوکائین از نظر شیمیایی در آن است که برای تهیه‌ی کوکائین به شکلی که قابل تزریق باشد، لازم است که آن را با اسید کلریدریک خنثی کنند. کراک در واقع فرم خنثی‌نشده‌ی کوکائین است (بر گرفته از سایت <https://www.intervenow.com>).

اعتیاد

اعتیاد در لغت: به معنی عادت کردن یا خوی کردن به چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸)، ذیل واژه اعتیاد). حالتی که به علت مداومت در استعمال بعضی داروها از قبیل تریاک، مورفین، هروئین، حشیش و الکل در انسان پیدا می‌شود (عمید، ذیل واژه اعتیاد). و در اصطلاح مسمومیت حاد یا مزمنی که به حال شخص یا اجتماع زیانبخش بوده و از طریق استعمال داروی طبیعی یا صفتی ایجاد می‌شود و دارای ویژگی‌های زیر است:

- احساس خوشی و تعاد^۱ کاذب پس از استعمال
- احتیاج شدید و غیر قابل مقاومت برای به دست آوردن و استعمال مواد درست
- تمایل به ازدیاد مقدار استعمال به علت تحمل سلول‌های بدن به مقاومت معمولی (تزیاید)
- وابستگی روانی و گاهی بدنی؛ زیرا نرسیدن دارو و ماده‌مخدر به بدن موجب بروز محرومیت می‌شود (اسعدی، ۱۳۷۹، ۱۴).

علائم وابستگی روانی و جسمانی در فرد معتاد هویدا می‌شود (شهیدی، ۱۳۷۵، ۱۵). بنابراین اعتیاد تعلق به تمایلات غیر طبیعی و مداومی است که برخی از افراد نسبت به بعضی از مواد مخدر پیدا می‌کند، منظور از اعتیاد استفاده‌ی غیر طبیعی و مکرر داروست که به ضرر خود مصرف کننده و دیگران است (احمدی، ۱۳۸۲، ۱۸۷). زیان‌های مواد مخدر از دیدگاه علم در عصر حاضر دنیای علم اثرات تخریب کننده‌ی مواد مخدر را بر مغز و اعصاب کشف کرده است. متخصصان براین

۱. تعاد به معنی افزایش است.

باورند که نقطه‌ی تأثیرگذاری مواد مخدر در «مغز» است. مهم‌ترین اثرات، کاهش احساس درد به صورت موقت، فعالیت مرکز تنفس، یبوست مزاج و تمایل شدید به تکرار مصرف مواد است (شریعتی سبزواری، ۱۰). از میان همه‌ی مواد مرگ‌آفرین، هرویین، راحت‌تر در چربی مغز و بدن حل شده و بر خلاف مرفین و مشتقات آن، در کوتاهترین زمان ممکن روی مغز اثر می‌گذارد. به همین دلیل آثار خوشی‌آور و ضد درد سریع‌تری دارد. کدئین نیز که از مشتقات تریاک است، به آسانی در سیستم گوارشی جذب شده و در بدن تبدیل به مرفین می‌شود (همان).

یکی از آثار مصرف مواد مخدر در معتادان، کاهش جریان خون در بعضی از نواحی مغز است. اعتیاد، بیداری را کم و خواب را زیاد می‌کند و انسان را از کارهای روزمره محروم می‌سازد. از سوی دیگر با ورود مواد مخدر سلول‌های مغز فرد معتاد راکد شده و از ترشح اندروپین جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، درد و ناخوشی و اضطراب روحی و بی‌قراری زیادتر می‌شود و قدرت دفاعی سلول‌های بدن در برابر مهاجم‌ها کاهش می‌یابد. با کاهش اندروپین‌ها از مغز و بدن معتاد، خاصیت دشمن‌شکنی منوسیت‌ها که از سلول‌های دفاعی بدن می‌باشند کم می‌شود. از همین روست که شخص معتاد نسبت به افراد سالم زودتر دچار عفونت و بیماری می‌شود (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۵، ۶۷).

زیان‌های مواد روانگردان از دیدگاه عقل

اسلام عقل را گوهری می‌داند که همه‌ی رفتارهای فردی و اجتماعی را به تعادل، جذّابیت و خداگونگی سوق می‌دهد، از همین روست که برای آن ارزش فراوانی قائل است و حتی قبولی عبادت‌های انسان را با معیار عقل می‌سنجد. مواد مخدر بدون تردید جسم و جان را تدخیر و تخریب می‌کند، اراده و غیرت را تضعیف می‌نماید و آدمی را به مرگ زودرس گرفتار می‌سازد. همه‌ی ما آشکارا مشاهده کرده‌ایم که جوانان سالم و با نشاط پس از اعتیاد به مواد مخدر قیافه‌ی آنها تحلیل رفته و اندامی پژمرده، صورتی تیره و رنگ پریده و هیكلی لاغر نصیبشان شده است (همان).

اگر نابودگران و قاچاقچیان سلامتی، اندکی با وجدانشان درگیر شوند حاضر نبودند به قیمت

انباشتن ثروت دنیا، فرزندان معصوم جامعه را به این وضعیت فلاکت‌بار بیندازند و خود هم دیر یا زود به تیرغیب از پای درآیند و یا زندانی شده و یا عدام می‌شوند. به راستی که اینان از انسانیت خارج شده و از حیوان هم بدتر شده‌اند «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف (۷) آیه ۱۷۹) همچنین قرآن می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَى النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده (۵) آیه ۳۲): هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته، و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»

آرای فقهای شیعه و مستندات آنها پیرامون استعمال و خرید و فروش مواد مخدر

آرای فقهای شیعه

فقه‌ها به دلیل زبان‌های جسمی، عقلی، اجتماعی، اقتصادی و خانودگی فراوان مواد مخدر، در زمینه‌ی این مواد خانمان‌سوز آرای خود را بیان کرده‌اند. برخی از فقها هرگونه استعمال و استفاده از مواد مخدر را فقط در موارد ضروری جایز می‌دانند. و برخی دیگر هر نوع استعمال را حرام می‌دانند. در ادامه به بیان این آراء پرداخته می‌شود.

نظریه حرمت مطلق

برخی از فقها معتقدند: استعمال مواد مخدر از باب اکل سم و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است، حرام دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۰، ۲۰۰).

برخی دیگر از فقها نیز معتقدند: «اعتیاد به تریاک جایز نیست، استعمال مواد مخدر جایز نیست؛ فروش هروئین جایز نیست، پول هروئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست؛ پخش هروئین یک توطئه است.» (خمینی، (بی تا)، ۳۵) و در ادامه گفته شده: «هروئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست و اعتیاد به تریاک جایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر(اگر ضرر نداشته باشد) باید آن را ترک کند و خرید و فروش و کشت مواد مخدر منوط به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست.» (همان، ۱۳۶)

برخی دیگر از فقها نیز معتقدند: استعمال مواد مخدر و استفاده از آن مطلقاً حرام است، به خاطر وسعت ضرر آن، به خصوص ضرر اجتماعی که مترتب بر مواد مخدر است. توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند (خامنه‌ای(الحسینی)، (۱۳۷۷)، (۳۱۲).

برخی دیگر از فقها نیز معتقدند: آیت‌الله مکارم شیرازی درباره‌ی حکم استعمال و خرید و فروش اینگونه اظهار داشتند که: «بدون شک استعمال مواد مخدر از گناهان کبیره است، که ادله‌ی مختلف شرعیه بر حرمت قطعی آن دلالت دارد و بر همه‌ی مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان و آشنایان و بستگان خود را از آنها شدیداً برحذر دارد.» (مکارم شیرازی، (۱۴۲۹)، (۴۲۳)

نظریه حرمت مگر در صورت قلیل بودن

در این گفتار تلاش می‌شود نظرات برخی فقها که در باب استعمال و خرید و فروش مواد مخدر قائل به جواز در موارد که مواد قلیل هستند، آورده شود.

برخی از فقها معتقدند: «استعمال سموم و مواد کشنده قطعاً حرام است. اما آن دسته از مواردی که مصرف کم آن کشنده نیست مانند افیون، استعمال آن تا زمانی که برای بدن زیان‌آور نباشد حرام نیست. اما زمانی که به سر حد زیان رسید استعمال آن نیز حرام می‌باشد.» ایشان حشیش را جزو مواد افسادآور می‌دانند^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۶، ۳۷۲).

برخی دیگر از فقها نیز معتقدند: «آنچه برای بدن زیان‌آور است کم باشد یا زیاد، در هر صورت استعمال آن حرام است و نیز تفاوتی ندارد که این زیان به سر حد تلف برسد یا به اتلاف نینجامد؛ بلکه کافی است در اخلاق و رفتار استعمال‌کننده اثر سوئی داشته باشد و اگر چنانچه ماده‌ای استعمال زیاد آن مضر باشد ولی استفاده‌ی اندک آن زیان‌آور نباشد در این صورت تحریم آن مقید

۱. «السموم القاتلة قليلاً وكثيرها بلا خلاف و لا إشكال بل الإجماع بقسميه عليه، للنهى عن قتل النفس و الضرر و غيرها، أما ما لا يقتل القليل منها كالأفيون و السمونيا في تناول القيراط و القيراطين إلى ربع الدينار في جملة حوائج المسهل فهذا لا بأس به».

به قدر و اندازه‌ای است که بر اثر آن ضرر حاصل شود، مانند تریاک که قدر ضرر آن را انسان بر اثر تجربه یا خبر شخص ماهر و طبیب می‌تواند بازشناسد مصرف زیاد افیون حرام است و اندک آن چون کشنده نمی‌باشد حرام نیست^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴۱۵).

برخی از فقها نیز معتقدند: سموم کشنده قلیل و کثیرش حرام است ولی خوردن قلیلیش اگر کشنده نباشد اشکال ندارد مانند خوردن افیون و سقمونیا و روغن حنظل و شوکران، وقتی که با دیگر چیزهای مورد نیاز ترکیب شوند، اما مقدار بیشتر مانند یک مثقال جایز نیست. و کلاً هر مقدار که احتمال ضرر داشته باشد جایز نیست^۲ (حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۱۵۷).

مستندات حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان

بعد از نقل آراء فقها در مورد استعمال و خرید و فروش مواد مخدر، در این قسمت به تبیین مستندات فقهی حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر پرداخته می‌شود.

آیات قرآنی

با استفاده از منابع فقهی (کتاب سنت اجماع عقل) حرمت استعمال مواد مخدر عبارت‌اند از: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا* (سوره بقره، ۱۹): از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناهی بزرگ و منافعی برای مردم است ولی گناه آنها از منافعشان بیشتر است.

خمر به هر ماده مست‌کننده‌ای اطلاق می‌شود: زیرا خمر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است همه مست‌کننده‌ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد توسط انسان می‌شوند

۱. «بحرم السم بضم السين كله بجميع أصنافه جامدا كان، أم مائعا إن كان يقتل قليلا، و كثيره و لو كان كثيره يقتل دون قليله كالأفيون و السقمونيا حرم الكثير القاتل، أو الضار دون القليل هذا».

۲. «يحرم السموم القاتلة قليلا و كثيرها. ولا بأس باليسير مما لا يقتل قليلا، كالأفيون و السقمونيا و شحم الحنظل و الشوكران. و اذا مزج بغيره من الحوائج ولا يجوز الاكثار منه كالمثقال. وبالجملة ما يخاف معه الضرر».

و قدرت تفکر و ادراک را از او می‌گیرند اِثْمٌ هم معنای نزدیک به ذنب و گناه دارد یعنی حالتی که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می‌شود و شقاوت و حرمان برای انسان به بار می‌آورد و این حالت وقتی که در عقل و روح انسان به وجود می‌آید او را از رسیدن به مقصود اصلی و هدف اصلی آفرینش یعنی کمالات انسانی باز می‌دارد و ضرر زیادی به جسم و جان وارد می‌کند. بر اساس آیه شریفه، مشروبات الکلی و مواد مخدر به دلیل ضرر و زیان‌های زیاد باعث زوال عقل انسان و ادراک و فهم شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می‌کنند بدین جهت حرام هستند.

الف) آیه قتل

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (سوره نساء، ۲۹).

ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار به شما مهربان است. بنابراین آیه هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد و خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد خرید و فروش و وسایل فساد و گناه همه در تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار، ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آنها باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۴۱).

برداشتی که از آیه می‌شود این است که حفظ نفس و برطرف کردن فشار و سختی و فراهم کردن راحتی و دوری از قتل نفس واجب است و نتیجه‌ای که از استعمال مکرر مواد مخدر حاصل می‌شود این است که از آن حرارتی در نفس ایجاد می‌شود که مبدل به بیماری سخت و نابودکننده‌ای می‌شود پس مشمول قول خداوند سبحان می‌گردد که فرموده است یکدیگر را نکشید.

مضمون دو آیه این است که نگهداری و سلامت نفس را واجب کرده و همچنین واجب کرده

است که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرارداد که منجر به قتل نفس شوند مگر اینکه مصلحت مهم‌تری وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا و چون مواد مخدر باعث ضرر و به خطر افتادن سلامت و تندرستی می‌شود و این موضوع از نظر پزشکی به اثبات رسیده است لذا استفاده از آن نیز حرام می‌باشد

آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۖ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ۖ وَهُوَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ الَّذِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره اعراف، ۱۵۷).

آنان که پیروی کنند از رسول ختمی مرتبت و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشانی و اوصافش را) نگاشته می‌یابند (که آن رسول) آنها را امر به نیکویی و نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند و احکام پرنج و مشقتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردان خود نهاده‌اند همه را می‌دارد پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالم‌اند.

فقها و دانشمندان از آیه فوق چنین استنباط می‌کنند که محتوای دعوت او با فطرت سلیم هم آهنگ است طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد برای آنها حلال می‌شمرد و آنچه خبیث و تنفرآمیز باشد را بر آنها تحریم می‌کند (وَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) او بسان مدعیان در چنین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده های مردم و استعمار و استثمار آنها است نیست نه تنها بندی بر آنها نمی‌گذارد که بارها را از دوش آنها بر می‌دارد و غل و زنجیرهایی را که بردست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد را می‌افکند حال سؤال اینجاست آیا هر فرد عاقلی می‌تواند بگوید که مواد مخدر جزء طیبات و مباحات هستند یقیناً مواد مخدر جزء خبیثات است و حرام است زیرا ضررهای ناشی از آن بر همگان آشکار است و انسانها را درغل و زنجیر حقارتها نگه می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۴۷۰).

آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره بقره، ۱۹۵)

از مال خود در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف) و خود را به مهلکه (خطر بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. ابتدای آیه فوق اشاره به انفاق دارد لیکن در ادامه با بیان جمله و لا تلقوا بایدیکم هشدار مهمی را به انسان‌ها گوشزد می‌کند لذا اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی است. جمله ولا تلقوا باید بکم الی التهلکة «با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید» هر چند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده ولی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل می‌شود از جمله این که: انسان حق ندارد از جاده های خطرناک (چه از نظر ناامنی چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش بینی های لازم بگذرد یا غذائی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند.

و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود و در تمام این موارد انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است پس در جامعه امروزی که اثرات و زیان‌های مواد مخدر به طور علمی مشخص شده است و مصرف آن در حقیقت خوردن سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن شده و در نهایت به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شوند و به خطر انداختن بی‌جهت جان انسان است به طور کل حرام است و باید از آن اجتناب کرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی رحمت ا... آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود (طباطبایی، ۱۳۷۴) ص ۶۴.

روایات

مقدمه: استدلال به آیات و روایات از جهت فقهی بودن آن و به‌عنوان موبد برسیره عقلا در حرمت استعمال مواد مخدر هست و علی‌رغم اینکه در زمان پیامبر گرامی اسلام و ائمه (ع) گستردگی مواد مخدر به این صورت نبوده است لیکن روایات متعددی در این زمینه توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین آمده است و با توجه به مقتضیات زمان و مکان و افزایش ضررهای استعمال انواع مواد مخدر که به‌صورت امر مستحدث‌های درآمده است به سیره عقلانی استناد کرده‌ایم و از آیات و روایات فقط در حد حرمت ضرر به نفس استفاده شده است. باید توجه داشت

که مواد مخدر به این گستردگی در مصادیق، در عصر ائمه وجود نداشته تا به صورت مستقیم در کلام آن بزرگواران مورد نهی قرار گیرد، به همین دلیل فقها برای اثبات حکم استعمال و خرید و فروش مواد مخدر به روایاتی استناد کرده‌اند که هرچند به صورت صریح به علت حکم اشاره نکرده‌اند بلکه به صورت غیر مستقیم محل بحث مربوط می‌شود از جمله:

(الف) نصوص زیادی که در سنت وارد شده و معامله به خمر و شراب را حرام قرار داده‌اند:

۱. الامیر صدرالدین محمد بن غیاث الدین منصورالدشتکی الشیرازی فی رساله قبایح الخمر: علی مانقله السید المعاصر الروضات، قال: روی عن طریق اهل البيت (ع) عن رسول ا... (ص) انه قال: سیاتی زمان علی امتی یا کلون شیئاً اسمه البنج، انا برئ ومنهم وهم برئون منی ۲. قال (ص): سلموا علی الیهود والنصاری ولا تسلّموا علی آکل البنج ۳. قال (ص) من احتقر ذنب البنج فقد کفر ۴. قال (ص) الا ان کل مکر حرام وکل مخدر حرام وما اسکر کثیرة حرام قلیله... ۵. قال (ص) من اکل البنج فکانما هرم الکعبه سبعین مره وکانما قتل سبعین ملکاً مقرباً وکانما قتل سبعین نبیاً مرسلأ... (نوری، (۱۴۰۸)، (۸۷).

۱. از پیامبر گرامی (ص) نقل شده است که فرمودند: زمانی بر امت من فراخوان رسید که چیزی به نام بنگ را می‌خورند که من از آنان بیزارم و آنان نیز از من بیزار هستند.

۲. بر یهود و نصاری سلام کنید ولی برخوردارنده بنگ سلام نکنید.

۳. رسول خدا (ص) فرمودند: کسی را گناه بنگ را کوچک شمارد کافر است.

۴. پیامبر فرمود: هر مسکر حرام است و هر مخدر حرام است و آنچه که مقدار زیادش مستی

اور است مقدار کم آن هم حرام است و آنچه که عقل را خمار و گیج کند حرام است

۵. کسی که بنگ را می‌خورد مثل این است که هفتاد مرتبه کعبه را خراب کرده است و هفتاد

فرشته ی مقرب را کشته است و هفتاد پیامبر مرسل را کشته است و هفتاد کتاب آسمانی را

به آتش کشیده است و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کرده است و او حتی نسبت به

نوشیده ی شراب و رباخوار و زناکار و سخن چین، از رحمت خدا دورتر است.

۲. قال ابوالحسن (ع) «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَحْرِمِ الْحَمْرَ لَأَسْمِعَهَا وَ لَكِنَّ حَرَمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَنْ كَانَ عَاقِبَتُهُ الْحَمْرَ فَهُوَ الْحَمْرُ:

(کلینی، (۱۴۰۷)، (۴۱۲) خداوند خمر را به خاطر نام آن حرام نکرده؛ بلکه آن را به علت آثار و

نتایجی که دارد حرام نموده در نتیجه هر چیزی که دارای آثار خمر باشد حکم خمر را دارد و حرام است. «امروزه از طریق علم و تجربه ثابت شده که آثار سوء و ویرانگر مواد مخدر بر فرد و جامعه بسیار شدیدتر و زیانبارتر از مشروبات الکلی است و به همین دلیل دارای یک حکم هستند.

این حدیث از دو جهت به بحث اعتیاد مربوط است:

۱. به تعبیر فقها منصوص العلة است یعنی: علت تحریم تصریح شده است و می‌تواند در مورد

هر ماده‌ی مخدر دیگری مانند مواد رایج در عصر ما که این علت در آن یافت می‌شود

حکم به تحریم کرد (شهیدثانی، (۱۴۱۰)، ۶۶)

۲. بخش آخر حدیث نیز شامل همه‌ی مواد مخدر می‌شود؛ زیرا در این بخش گفته شده که هر

چیزی که مانند خمر باشد در حکم خمر است و حرام و ممنوع است (محقق حلی، (۱۴۰۷)،

۴۲۵).

با توجه به توضیحی که در مبحث قبلی آیات گذشت، اسم خمر شامل مواد مخدر نیز می‌شود، لذا بدیهی است که نهی از بیع خمر شامل تحریم بیع مواد مخدر نیز خواهد شد. همچنانکه دلایل بیع کلی محرمات الهی نیز بر حرمت مواد مخدر دلالت دارند، با این دلیل واضح می‌شود که تجارت و سوداگری مواد مخدر و وسیله‌ی کسب قرار دادن آن حرام است، همچنین سود به دست آوردن از آن هم حرام است؛ زیرا خداوند می‌فرماید «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره ۲) آیه ۱۸۸): اموال یکدیگر را بین خود به طریق باطل و نامشروع نخورید. «خوردن اموال به طریق باطل، آن چنان که اهل تفسیر بیان کرده‌اند بر دو گونه است: ۱. گرفتن آن به صورت ظلم، دزدی و خیانت، غصب و امثال آن. ۲. گرفتن آن از راه ممنوع و نامشروع مانند گرفتن آن به وسیله‌ی قمار، معاملات حرام مثل ربا و معامله در اموری که خداوند استفاده از آن را حرام قرار داده است. مانند خمر و مواد مخدر؛ زیرا همه‌ی اینها حرام هستند اگرچه آن را مالک با رضایت کامل خویش بدهد (احمدالطبار، (بی‌تا)، ۱۱۸).

۳. روایت جابر از رسول خدا (ص) که فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ الْمَعَامِلَةَ الْحَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ

اللَّحْمَ الْحَنِزِيرِ وَ الْأَثْنَامَ: (عبدالباقی، (بی‌تا)، ۴۱) خداوند معامله‌ی شراب، مردار، خوک و بت‌ها را حرام

قرار داده است.»

۴. از امام صادق (ع) سؤال شده است که چرا خداوند خمر را حرام کرده است؟ «قال الصادق حَرَّمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الخَمْرَ لِفِعْلِهَا وَفِسَادُهَا: حضرت فرمود: خداوند خمر را به علت آثار سوء آن و فسادی که دارد حرام کرده است.» (ابن بابویه، (۱۳۶۷)، ۴۷۳)

۵. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «قال رسول الله كَلِّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ: (همان، ج ۶: ۲۷۶) هر مسکری حرام است.» و این عبارت اطلاق دارد و شامل مسکرات جامد هم می‌شود.

۶. «قال رسول الله (ع) أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَكُلِّ مُخَدِّرٍ حَرَامٌ، وَ مَا إِسْكَرَ كَثِيرَةً حَرَامٌ قَلِيلَةً وَ مَا حَمَّرَ الْعَقْلُ فَهُوَ حَرَامٌ: (حر عاملی، (۱۴۰۹)، ۳۳۷) هر مسکری حرام است و هر مست‌کننده‌ای حرام است، هر چیز که مقدار بسیار آن مست کند جرعه‌ای از آن نیز حرام است و خمر عقل را زایل می‌کند و آن حرام است.»

۷. «قال رسول الله (ص) حَرَامٌ عَلَيَّ أُمَّتِي كُلِّ مَفْتَرٍ وَ مَخْتَرٍ: (احمدی میانجی، (۱۴۱۹)، ۵۸۳) کل سستی آورها و مخدرها برایت حرام است.»

ب) احادیثی که بیان می‌کنند آن چیزی که خوردن و نوشیدن آن حرام است، خرید و فروش و استفاده از پول آن نیز حرام می‌باشد از جمله‌ی آنها حدیثی است که رسول خدا (ص) در آن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَرَّمَ شَيْءً حَرَّمَ ثَمَنَهُ: (ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵)، ۳۲۵) هرگاه خداوند چیزی را حرام قرار دهد قیمت و بهای آن را نیز حرام قرار خواهد داد.»

از روایات مورد بحث به این نتیجه می‌رسد که پیامبر (ص) و اهل بیت او در احادیث خود هر چیزی را که موجب مستی و بی‌هوشی انسان است حرام کرده‌اند و کسی که نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد و یا به مسکرات نزدیک شود کار حرامی کرده و در واقع حرام الهی را حلال شمرده است.

قواعد فقهی

از جمله قواعدی که بر حرمت استعمال مواد مخدر و تولید، معاملات و قاجاق مواد آنها دلالت می‌کنند، عبارتند از:

الف) حرمت استعمال مواد مخدر

حرمت از باب قاعده حرمت اسراف

در قرآن اخبار و کلمات علماء از اسراف به طور مکرر سخن به میان آمده که حاکی از حرمت آن می‌باشد. به طوری که در حرمت اسراف هیچ شکی نمی‌باشد. در عین حال بسیاری از فقها به طور یقین به تبیین موارد و احکام جزایی آن نپرداخته‌اند اگر چه برخی در صدد طرح و تحقیق برآمده‌اند. ملا احمد نراقی می‌فرماید: « بیان این قاعده از موارد مهم و لازم و ضروری است.» وی موضوع را به عنوان قاعده‌ی حرمت اسراف طرح نموده و ابتدا وارد بیان ادله‌ی حرمت آن شده و سپس وارد معنی اسراف می‌گردد. ایشان پانزده معنی برای آن ذکر می‌کند و سپس همه را به دو معنی ارجاع می‌دهد:

۱. انفاق در معصیت

۲. مجاوزة الحد

پس می‌گوید: «عَنْ شَيْمَةَ عِبْرَتٍ عَنِ الْأَخِيرِ بِالْإِنْفَاقِ الْمُسْتَفْهِحِ عِنْدَ الْعُقُلَا أَوْ إِنْفَاقٍ فِي غَيْرِ حَاجَةٍ أَوْ فِيهِمَا لَا يَنْبَغِي أَوْ فِي غَيْرِ حَقِّهِ أَوْ خِلَافِ الْإِقْتِصَادِ: (نراقی، (۱۴۱۷)، (۶۲۶) همانا منشأ عبرت از دیگری به انفاق که نزد علما قبیح و زشت است و یا انفاق در چیزی که به آن نیاز ندارد و یا سزاوار نیست و یا در غیر حق آن و یا خلاف اقتصاد»

در این صورت صرف مال برای استعمال مواد مخدر به معنای انفاق در معصیت مصداق اسراف می‌باشد اما اگر نتوان با ادله‌ی دیگری غیر از قاعده‌ی حرمت اسراف، حرمت آن را اثبات کرد به معنای دوم مصداق اسراف است زیرا استعمال مواد مخدر، مصرف مال در چیزی است که نزد عقلا قبیح و ناپسند است و انسان رشید خود را از مصرف مواد مخدر بی‌نیاز می‌داند و اساساً خلاف اقتصاد است (جمعی از مؤلفان، (بی‌تا)، (۱۳۰).

آنچه در تطبیق قاعده‌ی حرمت استعمال مواد مخدر مهم است این نکته است که در کلمات برخی از فقها در باب اسراف، حکم به سفاهت مصرف و تطبیق عنوان سفیه بر وی شده است (همان).

بروجردی از مرحوم مجاهد نقل کرده است: «فَلَوْ صَرَفَ مَالَهُ فِيمَا لَا يَبْغِي عَقْلًا أَوْ شَرَعًا وَإِنْ كَانَ لَهُ فَائِدَةٌ الدُّنْيَا أَوْ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ مُضِيغٌ لِذَلِكَ الْمَالِ شَرَعًا مُبَدَّرٌ وَ سَفِيه: (بروجردی، (۱۴۲۷)، ۴۹) پس اگر مال خود را در جایی مصرف کند که عقلاً و شرعاً سزاوار نیست و اگر برای آن فایده‌ی دینی و دنیوی باشد، پس شرعاً آن مال را از بین برده و اسرافکار و سفیه نامیده می‌شود.»

در بررسی حکم وضعی استعمال مواد مخدر و مجازات آنها با توجه به همین نکته می‌توان بحث سفاهت فرد را مطرح نمود و توقیف کلیه‌ی اموال و سپردن آنها به قیّم قانونی و حاکم شرع را مورد بررسی قرار داد (همان).

حرمت از باب قاعده حرمت مقدمه حرام

یکی دیگر از احکام کلی و قواعد فقهیه، حرمت مقدمه‌ی حرام است. مقدمه گاهی سبب فعل حرام می‌شود و گاهی شرایط و زمینه‌ی فعل حرام را فراهم می‌کند. در صورت اول مقدمیت و به تبع، حرمت آن محرز است. در صورت دوم مرحوم ملا احمد نراقی دو فرض قائل شده‌اند: ۱- این شخص، مقدمه را به قصد تحقیق فعل حرام انجام دهد که این فرض نیز حرام بوده و مرحوم نراقی در حرمت این نفی اختلاف کرده است. ۲- اینکه قصد تحقق حرام را ندارد، در این صورت فرض مقدمه را نمی‌توان حرام دانست (نراقی، همان، ۶۲۶).

مصرف مواد مخدر صرف نظر از حرمتی که با سایر ادله بر آن بار می‌شود - که نگوییم از باب سببیت فعل حرام مقدمیت دارد می‌توان گفت که از مصادیق مهم ارتکاب مقدمه‌ی حرام - از باب شرط زمینه‌ی فعل حرام به قصد تحقق فعل حرام - است. بیان مقدمیت به این صورت است که اگر چه مصرف کننده در ابتدا حرام یا ارتکاب مجرماتی مانند: دزدی، قتل، ترک واجب شرعی، سوء استفاده از نزدیکان و مفاسد جنسی و ... را ندارد؛ اما امروزه اعمال حرامی که اکثر معتادان پس از مصرف یا برای دستیابی به مواد مرتکب می‌شوند و ممالک حرامی که برای خود فراهم می‌آورند و آگاهی از این عاقبت و پیامدها، کفایت از قصد آنان برای این قبیل افعال حرام می‌کند از این رو می‌توان استعمال مواد مخدر را از باب مقدمه حرام به معنی دوم یعنی تحقق آن دانست (جمععی از مؤلفان، همان).

قاعده لا ضرر

یکی از قواعد مهم فقهیه که مبنای بسیاری از احکام فقهی دیگر در فقه قرار می‌گیرد قاعده‌ی لا ضرر است. البته در تبیین مفاد آن نظرات مختلفی وجود دارد. مهمترین آنها نظریه‌ی شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری (انصاری، ۱۴۱۴، ۲۱۵) و نظریه‌ی آخوند خراسانی یعنی نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری (آخوند خراسانی، ۱۳۸۵، ۹) و تفسیر امام از قاعده‌ای که نفی ضرر را از باب احکام سلطانیه و حکومتی می‌داند (خمینی، ۱۴۱۵، ۶).

دو تفسیر دیگر که در بحث دانشمندان این علم مطرح است، نظریه‌ی شریعت اصفهانی مبنی بر اشتغال قاعده بر نفی تکلیفی (اصفهانی، ۱۴۱۰، ۱۳۰) و نظریه‌ی دیگر نفی ضرر غیر متدارک مربوط به مرحوم نراقی است (نراقی، ۱۴۲۲، ۱۲۶). بر اساس پنج تفسیر فوق از قاعده به جز بیان مرحوم نراقی قاچاق مواد مخدر و فرایند تولید تا مصرف آن از صغریات قاعده‌ی مزبور است؛ زیرا اگر حکم به اباحه شود در واقع حکم به تکسب و تولید و معاملاتی شده که ضرر و زیان آن برای جامعه و حیات آن امری مسلم است، از این رو از باب نفی حکم ضرری؛ حکم اباحه‌ی آن برداشته شده و حرام می‌گردد. موضوع مواد مخدر، تکسب و تولید... به جز ضرر و زیان برای جامعه چیزی در بر ندارد و آن دسته از مشتقات مواد مخدر که کاربرد پزشکی دارند؛ نیز چنانکه حکم به حلیت آن کنیم، مورد سوء استفاده‌ی بسیار و بیش از کاربردش در امور طبی قرار می‌گیرد؛ همان مضرات مواد مخدر را دارند (جمعی از مؤلفان، همان، ۱۳۶).

ب) حرمت تولید، معاملات و قاچاق مواد مخدر (روانگردان)

با توجه به حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فائده‌ی عقلانی آنها و مفاسده‌ی که پیامد استعمال مواد مخدر است؛ حرمت تولید و قاچاق آن نیز روشن است. فقهای که قائل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند قائل به حرمت تولید و قاچاق آن هستند، حرمت این مواد که تبیین آن در این مبحث آمده؛ پایه و اساس مبانی مجازات قاچاقچیان مواد مخدر است. قاچاق مواد مخدر و معاملات آن را می‌توان از مصادیق و صغریات قواعد و احکام فقهی متعددی دانست (همان، ۱۳۲).

قاعده لاضرر

یکی از قواعد دال بر حرمت تولید، معاملات و قاچاق مواد مخدر (روانگردان) قاعده لاضرر است که توضیح آن در بحث قبلی گذشت.

قاعده حرمت کمک بر اثم و عدوان

بر حرمت معاونت گناه و حرام علاوه بر قرآن کریم «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيِ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» حکم عقل و اخبار مستفیضه‌ی فراوانی در موارد خاص دلالت دارد و افزون بر این، اجماع علما بر حرمت آن است و فقهای عظام در موارد بسیاری بر اساس این قاعده فتوا داده‌اند. عمده‌ی بحث و نظر در تعیین و تبیین مساعده و معاونت بر اثم و عدوان است. در تحقق معاونت باید عمل و فعلی باید از شخص سر بزند که در قول یا کمال و تمامیت جرم و گناه و مداخلیت داشته باشد. آنچه مورد تردید و گفتگو است اشتراط قصد و علم معاون، به مداخلیت عملش در تحقق یا کمال و تمامیت جرم است. مشهور فقها برای تحقق معاونت فقط علم و اطلاع بر قصد تحقق حرام توسط مباشر را کافی می‌دانند (نراقی، (۱۳۸۰)، (۲۲۵).

در بحث مواد مخدر نیز چون با کشت و تجارت آن ضرر بسیار بزرگی بر افراد جامعه وارد می‌گردد و کمک و همکاری بر گناه و عدوان و گسترش صفات رذیله در اجتماع و پخش جرم، و همکاری با جرم پیشگان است حال آنکه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيِ الْيَبْرِ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَيِ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ: (مائده، (۵) آیه ۲) به نیکی و تقوا با همدیگر همکاری نمایید و به گناه و عداوت باهم همکاری نکنید.»

بنابراین کشت و زراعت مواد مخدر نیز حرام است؛ زیرا در آن سهم و همکاری بر معصیت وجود دارد و آن گسترش دادن مواد مخدر در جامعه است. باز کشاورز با کشت آن راضی است که مردم آن را استعمال کنند و رضا به معصیت، خود معصیتی می‌باشد که این واضح است (احمدالطبار، همان، ۱۱۸).

فقها فروختن انگور برای کسی که از آن شراب و خمر درست کند حرام قرار داده است، همچنانکه فروختن سلاح در ایام فتنه را حرام کرده‌اند و کشت و زرع مواد مخدر و خرید و

فروش آن حق دارا تر و شایسته تر به ممنوع بودن است، رسول خدا (ص) چه خوب فرموده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْحَمْرَ وَالْعَاصِرَ وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَمُبْتَاعَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَآكِلَ ثَمَنِهَا: (کلینی، همان، ۶۹۸) لعنت خدا باد بر شراب و شیره‌گیر و نوشنده و نوشاننده و فروشنده و خریدار و حمل کننده و آنکه برایش حمل می‌شود و خورنده‌ی قیمت و بهای آن.»

قاعده نفی سبیل

از دیگر قواعد مهم فقهی که هم در آیات قرآن و هم در اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند، قاعده‌ی نفی سبیل است (بجنوردی، (۱۳۷۷)، ۲۲۵). حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان پیدا کنند طبق این قاعده روشن است. گاهی قاچاق مواد مخدر با انگیزه‌ی سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است حتی اگر چنین انگیزه‌ای وجود داشته باشد از آثار شیوع مواد مخدر، زوال اراده‌ی دفاع از دین و حریم است که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می‌شود؛ علاوه بر اینکه چه بسا فرد معتاد به جهت از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می‌شود تن می‌دهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب می‌شود (جمعی از مؤلفان، همان).

بنابراین اگرچه در جمیع معاملات و تکسب، موضوع سبیل قطعی نیست؛ اما از آنجا که زمینه‌ساز اعمال و ولایت کفار و سلسله‌ی دشمنان دین است و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می‌شود، به نظر می‌رسد، برای صدق موضوع قاعده کافی است. بنابراین اگر بر اساس این قاعده حکم به حرمت شود صحت آن بعید نیست (همان، ۱۳۵).

ادله قائلین به جواز استعمال و خرید و فروش در موارد ضروری

همه‌ی فقها در زمان اضطرار، خوردن و آشامیدن از هر حرامی را جایز می‌دانند. (نراقی، (۱۴۱۵)، ۱۹). احتمال دارد این قول فقها به استناد قاعده‌ی نفی حرج و قاعده‌ی لاضرر و حدیث رفع باشد؛ اما قاعده‌ی نفی حرج؛ اگرچه این قاعده نفی حرج مانند قاعده‌ی لاضرر وارد نشده است یعنی

صورت مزبور در مدارک فقهی برای قاعده‌ی نفی حرج وجود ندارد ولی جملاتی که قاعده را از نظر معنی اثبات کند هم در آیات قرآنی و هم در روایات معتبر وارد شده است. آیاتی که حرج را در دین اسلام نفی می‌کند به قرار زیر است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ: (مائده (۵)، آیه ۶) خدا نمی‌خواهد با احکامش بر شما تنگی و مشقت قرار دهد.»

«وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج (۲۲)، آیه ۷۸): و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد.» کلمات نفی که متعلق به حرج است و در جملات مزبور مطابق قانون ادبی که می‌گوید اگر کلمه‌ای نفی به نکره وارد شود دلالت بر عموم می‌کند اثبات می‌کند که حرج مانند ضرر و ضرار به طور عمومی منفی است لذا می‌توان گفت که جمله‌ی «لا حرج في الدين» حرج قانونی است که از قرآن استفاده شده است (جعفری تبریزی، (بی تا)، ۱۱۷).

قاعده‌ی لا ضرر از جمله قواعد پویا و فراگیری است که در شریعت اسلام وجود دارد و ابعاد و مقاصد وسیعی را در گستره‌ی وجودی خود شامل می‌شود. آخوند خراسانی در تحلیل قاعده‌ی لا ضرر همچون دیگر بزرگان علم اصول عقیده دارند که این قاعده از چارچوب علم اصول بیگانه است وی معتقد است که روایات باب لا ضرر به صورت تواتر اجمالی بوده است. اما از ناحیه دلالت قاعده باید گفت که «ضرر مترادف با لا ضرر» است و اینکه در قاعده علاوه بر آوردن ادات جمع از مفرد آن استفاده شده فقط برای تأکید است اما هیئت ترکیبی قاعده یعنی «لا ضرر و لا ضرار» دلالت بر انتفای حقیقت ادعایی دارد و با نفی موضوع حکم نیز منتفی می‌شود (دبیرخانه علمی کنگره، ۹۳). آخوند خراسانی معتقد است که جمع بین قاعده‌ی لا ضرر و عناوین اولیه، یک جمع عرفی بوده و هرچند بین این دو دسته عموم و خصوص من وجه است اما قاعده بر عناوین اولیه تقدم دارد، مگر اینکه قاعده احکامی را که موضوعشان عنوان ضرر است نفی نمی‌کند اما نسبت و رابط بین لا ضرر و عناوین ثانویه (مثل قاعده عسر و حرج) از باب تراحم بوده است (همان). اما حدیث رفع: «وَ هُوَ حَدِيثُ الْمَرْوِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ مُفَادَةٌ: رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي سَعَةٌ: الْخَطَأُ، وَ النَّسِيَانُ، وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ لَا يَعْلَمُونَ، وَ لَا مَا لَا يُطِيقُونَ، وَ مَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ، وَ الْحَسَنُ، وَ الطَّيْرَةُ، وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشِقَّةٍ» (حر عاملی، (۱۴۰۹)، ۹).

اما درباره‌ی جریان این حکم نسبت به نوشیدن شراب، بین ایشان اختلاف نظر است؛ که قول مشهور الحاق شراب به سایر محرّمات است: ضمن اینکه برخی، حلال بودن آن را تنها در صورت ترس از تلف شدن در صورت نوشیدن آن، مقید کرده‌اند (جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶)، (۵۴۴). لذا فقهای معاصر، مداوا کردن بیماران به وسیله‌ی محرّمات را در صورتی که علاج مرض، منحصر به آن باشد جایز شمرده‌اند، اما درباره‌ی درمان توسط شراب و سایر مسکرات که شامل مواد مخدر هم می‌شود، این شرایط را اضافه کرده‌اند که بیمار [با مشورت پزشک حاذق و متدین] یقین کند که بیماری او قابل معالجه است و یقین داشته باشد که ترک معالجه با شراب و یا سایر مسکرات به هلاکت وی [یا چیزی نزدیک به آن] منتهی می‌شود. البته در استفاده و معالجه به آنها نباید عجله کرد و تا حد ممکن باید صبر نماید که شاید خداوند متعال سلامتی را به او بازگرداند (خمینی، همان، ۳۰۱).

در هر حال، اگر کسی به حرامی اضطراب پیدا کرد باید به مقدار ضرورت اکتفا کرده و زیاده بر آن جایز نیست (همان، ۲۹۹). همچنین در رابطه با خرید و فروش و استعمال مواد مخدر می‌توان به عبارت فقها در باب استعمال مواد نجس در صورت داشتن فائده حلال استناد و هم آنها را به مواد مخدر تعمیم داده در بحث احکام پزشکی آمده است. اما در صورتی که فائده‌ی حلال نداشته باشد و در حال حاضر که خون برای نجات جان بیماران مصرف می‌شود و دارای منافع حلالی است خرید و فروش آن مانعی ندارد، حتی اگر از غیر مسلمان و کافر حربی باشد باز اشکالی ندارد (مکارم شیرازی، (۱۴۲۹)، (۱۳۶).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت استعمال و خرید و فروش مواد مخدر در موارد ضروری از جمله مصارف پزشکی اشکالی ندارد؛ زیرا از این طریق می‌توان به تسکین درد بیماران کمک کرد.

نتیجه گیری

مواد مخدر یک ماده‌ی است که که با ورود به کشورهای مختلف و جوامع بشری باعث بی‌بندوباری و نابودی انسانها می‌شود و پایه و اساس خانواده را متزلزل کرده جامعه و مردمان را به تباهی

و فساد کشانده است. نتایجی که از بررسی استعمال و خرید و فروش مواد مخدر به دست آمده عبارتند از:

۱. علمای ربانی و مجتهدان اعلم هر یک نظری در مسائل مواد مخدر دارند به دو دسته تقسیم می‌شود. فقهایی که استعمال و خرید و فروش آن را به طور مطلق حرام می‌دانند و فقهایی که موارد ضروری مصرف را از حکم حرمت استثنا کرده‌اند.
۲. حکم استعمال خرید و فروش مواد مخدر، شامل آیات قرآنی، روایات و قواعد فقهیه است.
۳. از آیات قرآن دال بر حرمت استعمال مواد مخدر می‌توان به آیه‌ی «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» استناد کرد.
۴. روایات هر چند به صورت مستقیم در مورد حکم استعمال خرید و فروش مواد مخدر وارد نشده‌اند ولی از طریق قیاس نصوص العلة و ... بر حکم حرمت آن دلالت دارند.
۵. از مهمترین قواعد فقهی که برای حرمت استعمال مواد مخدر به آن اشاره کرد عبارتند از قاعده لاضرر، قاعده‌ی حرمت معاونت بر اثم و عدوان، قاعده‌ی حرمت مقدمه‌ی حرام و طبق قاعده لاضرر و حدیث رفع و آنچه که در کتاب احکام پزشکی آمده است استفاده و خرید و فروش مواد مخدر در موارد ضروری از جمله در مصارف پزشکی جایز است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، شرح کفایة الاصول، محمدی، علی، امام حسین بن علی، قم، ۱۳۸۵، چاپ چهارم.
۲. احمد الطبار، عبدالله، محمد، مواد مخدر در فقه اسلام، بی‌جا، بی‌تا.
۳. اسعدی، سیدحسین، جامعه سبز، انتشارات پایا، ۱۳۷۹، چاپ اول.
۴. بستانی، فؤادفرام، منجدالطلاب، ترجمه بندریگی، محمد، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، چاپ دهم.
۵. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، قم، بی‌تا، چاپ اول.
۶. حسینی، محمد، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، ایران، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۹، چاپ سوم.
۷. خمینی، سید روح الله موسوی، ترجمه تحریر الوسیله، جلد ۲، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، ه ق تحریر لوسیله، مؤسسه امام خمینی، قم، بی‌تا، چاپ سوم.
۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴.
۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه امیرکبیر، چهارم.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۱۱. احکام پزشکی، مدرسه امام علی بن ابیطالب، قم، ۱۴۲۹، چاپ اول.
۱۲. ابن بابویه، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، نشر، تهران، ۱۳۶۷، چاپ اول.
۱۳. ابن حجر حیثمی، الزوار، بی‌جا، بی‌تا، چاپ اول.
۱۴. انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه (للشیخ الأنصاری)، در یک جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه ق.

۱۵. انصاری شوشتری، محمد علی خلیفه، موسوعه الفقهيہ، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۴۲۲ هـ.ق، چاپ چهارم.
۱۶. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الشیعہ، دارالسیدالشہدا، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق، چاپ اول.
۱۷. بروجردی، سیدحسین، القواعد الفقہیہ و تطبیقاتها فی المذاهب الأربعة، نشر هادی، قم، ۱۴۲۷ هـ.ق، چاپ اول.
۱۸. بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقہیہ، نشر هادی، قم، ۱۳۷۷، چاپ اول.
۱۹. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، مؤسسہ آل البيت علیہم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۰. خمینی، سید روح اللہ موسوی، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، قم: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲۱. خامنه‌ای، علی، اجوبه الاستفتاءات، دارالوسیلہ، بیروت، ۱۳۷۷ هـ.ق، چاپ سوم.
۲۲. عاملی، شہید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البہیہ فی شرح اللعنه الدمشقیہ (المحشی - کلاتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲۳. عبدالباقی، محمد فواد، اللؤلؤ و المرجان، المترجمہ، دمشق، بی تا، چاپ اول.
۲۴. ابن ادریس، الفروق، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۳۷۸ هـ.ق، چاپ دوم.
۲۵. عبدالنعیم، محمدحسین، قاموس فارسیہ، دارالکتاب لبنانی، بیروت، ۱۴۰۲ هـ.ق، چاپ دهم.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب اسلامیہ، تهران، ۱۴۰۷ هـ.ق، چاپ چهارم.
۲۷. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعترف فی شرح المختصر، مؤسسہ سیدالشہدا، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق، چاپ اول.
۲۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل حلال والحرام، دفتر تبلیغات، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق، چاپ سوم.
۲۹. رسائل و مسائل، کنگره بزرگداشت محققان نراقی، قم ۱۳۸۰، چاپ اول.

۳۰..... مستند الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ ه ق.

۳۱. نراقی، ملا محمد مهدی، جامعه الاصول، کنگره بزرگداشت محققان نراقی، قم ۱۴۲۲ ه.ق، چاپ اول.

۳۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۳۶، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه ق.

۳۳. شریعتی سبزواری، مقاله نگرشی بر احکام اسلام و مواد مخدر مجله معارف اسلامی مهر، آبان و آذر ۱۳۸۵، شماره ۶۵، ص ۳۰-۷۲.